

**انقلاب ضد سلطنتی و**

**ضد انقلاب اسلامی**

**نگاهی به انقلاب ۵۷**

**حمید تقوائی**

## متن کتبی بخشی از میزگرد کانال جدید در مورد انقلاب ۱۳۵۷

انقلاب ۵۷ مثل هر انقلاب دیگری در جامعه ای رخ داد که اکثریت عظیم مردم بشدت تحت فشار بودند، ناراضی بودند، و حتی خشمگین بودند. هم از نظر معیشتی و شرایط اقتصادی و هم از نظر سیاسی و اختناق و سرکوبی که در جامعه وجود داشت مردم دیگر نمی توانستند وضع موجود را تحمل کنند. انقلاب ۵۷ در واقع به عنوان یک حرکت عینی ضروری، و میتوان گفت غیر قابل اجتناب، شکل گرفت. کارگران، دانشجویان، محرومین و حاشیه نشینان شهری، زنان و اقشار مختلف جامعه، اینها نیروهای محرکه انقلاب ۵۷ بودند. توده

مردمی که وضع موجود را نمیخواست و مثل هر انقلاب دیگری با اعتراض علیه کل سیستم موجود بپا خاسته بود. جامعه با شعار مرگ بر شاه در واقع سیستم و نظام و حکومتی که شاه مظهر و محورش بود را به چالش می کشید و می خواست آنرا برکنار کند.

نکته مهمی که میخوایم اینجا توضیح بدهم نقش خمینی و اسلاميون در این تحول بود. امروز خیلی ها میگویند انقلاب اسلامی بود، اشتباه بود، نباید اتفاق می افتاد و غیره. ولی در واقع آن چیزی که اسلامی بود ضد انقلابی بود که اینها توانستند گام بگام به آن شکل بدهند. منظورم از "اینها" جنبش اسلامی در ایران و ضد انقلاب جهانی به زعامت دولتهای

غربی است.

یک جنبش ارتجاعی در اپوزیسیون شاه وجود داشت که خمینی و نیروهای اسلامی طرفدارش را شامل میشد. نیروهای اسلامی که با غرب به عنوان مظهر تمدن و پیشرفت، مظهر علم، هنر، موزیک و فرهنگ مترقی جهان قرن بیستمی مخالف بودند و می خواستند که جامعه را برگردانند به همان هزار و چهارصد سال قبل، که بالاخره این کار را هم کردند. بر دوش این اپوزیسیون فوق ارتجاعی شاه نیروها و دولتهای غربی ضد انقلاب را سازمان دادند.

دولت آمریکا به نظر من دوبار در ایران کودتا کرد. یکبار در ۲۸ مرداد ۳۲ علیه جنبش

موسوم به جنبش ملی کردن صنعت نفت در دهه بیست و اوائل دهه سی شمسی که به تثبیت حکومت شاه منجر شد و بار دیگر علیه انقلاب ۵۷، ولی این بار علیه شاه و در حمایت از خمینی.

جلو راندن خمینی از جانب دولت آمریکا و دول اروپائی در واقع کودتا علیه انقلاب آزادیخواهانه مردم بود. مدتها قبل از قیام ۲۲ بهمن خمینی و اسلاميون طرفدارش با دولت آمریکا در مورد دست بدست شدن قدرت به توافق رسیده بودند. امروز اسنادش هم منتشر شده است. این توافق اساسا بر سر دو موضوع بود: اول اینکه کمونیستها و نیروهای چپ را بکوبند. طرح این بود که خمینی روی

کار بیاید و چپ را در هم بکوبد و انقلاب را به عقب براند، یعنی کاری که شاه نتوانسته بود بکند به انجام برساند. و دوم جریان نفت و صادرات نفت را به آمریکا و کشورهای غربی قطع نکند. اینها اساس توافقنامه بود. ژنرال هويزر آمریکایی را به ایران فرستادند تا ارتش، دستگاه بوروکراسی، ساواک، نیروهای امنیتی و کل دستگاه حکومت - منهای دربار که دیگر از جانب غرب قابل حمایت نبود - را راضی کند که به خمینی رضایت بدهند، به اصطلاح با خمینی بیعت کنند و به او لبیک بگویند. شاه را از ایران خارج کردند که کل سیستم شان را نگه دارند. اگر در برابر جنبش دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی این برایشان امکان داشت که از شاه در برابر حرکت ترقی خواهانه آن دوره حمایت

کنند و او را سر قدرت نگهدارند و این کار را با اتکا با اوباشی مانند شعبان بی مخ ها انجام دادند، این بار در برابر یک انقلاب قدرتمند توده ای دیگر احیا و تثبیت شاه برایشان امکان نداشت و لذا با اتکا اسلام نوع خمینی و آخوندها و حوزه های علمیه و غیره کودتایی علیه انقلاب ۵۷ سازمان دادند و یک نیروی فوق ارتجاعی را بعنوان رهبر انقلاب روی کار آوردند.

قیام ۲۲ بهمن علیرغم این بند و بست رخ داد. من کاملا بیاد دارم. آنروز در خیابانها بودم و جزو کسانی بودم که به پادگان عشرت آباد حمله کردیم و با چند اسلحه غنیمتی از آن پادگان بیرون آمدم. تمام پادگانها تحت حمله

مردم قرار گرفته بود. بخاطر دارم در همان روز نیروهای اسلامی از جمله هادی غفاری سوار بر وانت‌های باری در خیابانها می گشتند و فریاد میزدند که امام فرمان جهاد نداده و به خانه هایتان بروید. نیروی محرکه آن قیام نیروهای چپ بودند، چریکهای فدایی و غیره و مردم با آنها کاملاً همراهی کردند. مدتها جمهوری اسلامی به این دردسر افتاد که اسلحه را از دست مردم پس بگیرد. فراخوان دادند که بیاید اسلحه ها را به مراکز اسلامی تحویل دهید.

همانطور که دوستان دیگر هم گفتند در دانشگاهها چپ خیلی قدرتمند بود، در کارخانه ها خیلی قدرتمند بود، در کردستان



خیلی قوی بود. با قیام ۲۲ بهمن انقلاب نه تنها تمام نشد بلکه تازه فضایی پیدا کرد برای رشد بیشتر. در کارخانجات، در دانشگاهها، در ادارات همه جا شوراها تشکیل شده بود. در کردستان، در مناطقی مثل ترکمن صحرا، در میان کارگران بیکار، در اعتراضات زنان، از هر گوشه جامعه این مبارزات میجوشید و پیش میرفت و مردم میخواستند آن شعارها و اهداف واقعی که برایش انقلاب کرده بودند یعنی آزادی، برابری و رفاه را متحقق کنند. و متشکل شده بودند که امور را به دست خودشان بگیرند و خواستههای انسانیشان را متحقق کنند. در مقابل ادامه حرکتهای انقلابی مردم، "امام فرمان قیام نداده" ادامه پیدا کرد؛ امام فرمان شورا نداده، امام فرمان آزادی نداده،

امام فرمان رفاه نداده، امام فرمان برابری زن و مرد نداده. برعکس امام فرمان داد که بکوبید، بزنید؛ حجاب را اجباری کرد، شوراها را جمع کرد. اعلام کردند "شورا پورا مالیده!" به یاد دارم در نوروز ۵۹، یکسال و چند ماه بعد از قیام، خمینی فرمان سیزده ماده ای صادر کرد که آن زمان ما در سازمان اتحاد مبارزان کمونیست آنرا به عنوان "عیدی سیزده ماده ای خمینی به کارتر" افشا کردیم. مضمون این ماده ها عقب راندن جامعه، جلوگیری از آزادی ها، اسلامی کردن جامعه، اسلامی کردن زنان و کارمندان و دانشجویان و غیره بود و ما عنوانش را گذاشتیم عیدی سیزده ماده ای خمینی به کارتر بخاطر اینکه چنین تبلیغ میکردند که گویا انقلاب، اسلامی و بر سر مرگ بر آمریکا

بوده است. احکام خمینی را تحت نام مرگ بر آمریکا مطرح میکردند و ما اعلام کردیم که برعکس، خمینی عملاً در جهت منافع دولت آمریکا حرکت میکند.

من همیشه گفته ام که خمینی با مرگ بر شاه سوار انقلاب ۵۷ شد و با مرگ بر آمریکا انقلاب را کوبید. انقلاب بعد از ۲۲ بهمن ادامه داشت تا بالاخره آخرین ضربه را در سی خرداد شصت به انقلاب زدند و بعد حمله به کردستان، حمله به ترکمن صحرا، حمله به دانشگاهها و غیره از جمله اولین اقدامات ضد انقلابی رژیم خمینی بود. با تیغ کشیدن به روی مردم و نیروهای انقلابی توانستند که انقلاب را جمع کند.

شاه نتوانست جلوی انقلاب بایستد چرا که جامعه یکپارچه علیه رژیم سلطنتی بپا خاسته بود. در چنین شرایطی دولت آمریکا و سایر دولتهای غربی ناگزیر شدند از حمایت شاه دست بردارند ولی بدیلی برای شاه پیدا کردند که سیاست سرکوب انقلاب را که او نتوانست انجام بدهد، به فرجام برساند. و وضعیت طوری شد که امروز داریم می بینیم.

این را خواستم در این فرصت کم توضیح بدهم که انقلاب ۵۷ اسلامی نبود، ضد انقلاب ۵۷ اسلامی بود و این ضد انقلاب بر دوش جریانات فوق ارتجاعی اسلامی در اپوزیسیون شاه و با معماری دولتهای غربی علیه کمونیستها و علیه به چپ چرخیدن جامعه که بخصوص در

همسایگی شوروی آنزمان حساسیت زیادی  
غرب نسبت به آن داشت، شکل گرفت. و این  
ضد انقلاب اسلامی چهل و سه سال است که  
خون مردم ایران را در شیشه کرده است.

امروز انقلاب دیگری در حال شکل گیری  
است. همان جوانانی که در اسفند ۵۷ در  
اولین تظاهرات با شکوه هشت مارس، که شما  
کلیپ اش را نشان دادید، شرکت داشتند،  
امروز فعال جنبش بازنشستگان هستند. در  
این چهار دهه آن حرکت و کلا مبارزه علیه  
جمهوری اسلامی، نه تنها عقب نشست و  
شکست نخورد، بلکه در همه عرصه ها، در  
جنبش کارگری، در جنبش زنان، در جنبش  
دانشجویی، و در جنبش جوانان به جلو آمده و

یک دم از پای ننشسته است. میخواهم بگویم مبارزه برای آرمانهای انقلاب ۵۷ تا به امروز در عرصه های مختلفی ادامه دارد و انقلابی که در افق است انقلابی است که می خواهد پرچم پیروزی انقلاب ۵۷ را هم بلند کند. پرچم پیروزی یک جامعه ۸۵ میلیونی را علیه سرکوب و دیکتاتوری و بیحقوقی که تنها در ۴ دهه اخیر بلکه به نظر من از انقلاب مشروطه تا به امروز. بارها این جامعه برای آزادی بلند شده است برای رهایی برای رفاه، بپا خاسته است و یا به توسل اسلام، یا به توسل ایرانیت و ناسیونالیسم، و در هر حال با ارزشهای ملی، میهنی، اسلامی انقلابات و اعتراضات آزادی خواهانه مردم را درهم کوبیده اند. با شعار خدا، شاه، میهن، خون مردم این میهن را در شیشه

کرده اند. تحت نام خدا، تحت نام شاه، و در هر حال با اتکا به این دو و همکاری و همدستی این دو. اینبار جامعه بلند شده است تا با کل این نیروهای ارتجاعی تسویه حساب تاریخی بکند. انقلابی که در پیش است انقلابی است نه تنها ضداسلامی بلکه ضد تمامی ارزشها، شعارها و تلاشهای ارتجاعی که در قرن اخیر دیکتاتوری بعد از دیکتاتوری بر سر جامعه ایران حاکم کرده است. مردم میخواهند از دیکتاتوری و بی حقوقی یکبار برای همیشه رها شوند و جامعه ای آزاد، برابر و مرفه را پایه بگذارند. حزب ما، حزب کمونیست کارگری، از این شرایط برآمده است، حزبی که پرچم رهایی جامعه را بدست دارد.

۱۳ فوریه ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن  
اولیه این مصاحبه



**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام